طلیعه

«ائتلاف» در فرهنگ سیاسی ایران

غلامعلی دهقان:

۱- آنچه در ایران امروز با عنوان «ائتلاف‌های انتخاباتی - موسمی» صورت می‌گیرد، به علت ضعف سیستم حزبی در عرصه سیاسی کشور رخ می‌دهد. در زمان نبود احزاب قوی و ریشه‌دار، جناح‌های سیاسی افرادی را مطرح می‌کنند تا بخت خود را برای بازی نهایی در روز انتخابات به بوته آزمایش بسپارند. در کشورهایی که سیستم حزبی نهادینه شده است، رقابت‌ها، در درون‌حزبی تعریف می‌شود. افراد در نظام‌های حزبی، مراحل رشد را در درون‌حزب طی می‌کنند و به‌عنوان نامزد نهایی، به رقابت با کرینه حزب رقیب می‌روند. مهم این است که رقبای درون‌حزبی دیوزر، پس از مشخص‌شدن نامزد نهایی حزب، بـه حمایت تمام‌قد از وی برمی‌خیزند. برای مثال در جریان انتخابات گذشـته در آمریکا، زمانی اوباما و هیلاری کلینتون به منظور انتخاب‌شدن به‌عنوان کاندیدای مورد حمایت حزب دموکرات، با یکدیگر رقابت داشتند. اما پس از پیروزی اوباما به‌عنوان گزینه نهایی دموکراتهـا، کلینتون از وی حمایت کرد و پس از پیروزی در دولتش مشارکت داده شد. می‌دانیم برای حاکمیت دموکراسی نیاز به احزاب قوی و سراسـری احسـاس می‌شود. اما پرسش اصلی این است چرا این پدیده -تحزب- در ایران عملـاتی نشده و مقوله شکل‌گیری احزاب ریشه‌دار و نهادینه در کشور ما بالفعل نمی‌شود؟

۲- در فرهنگ سیاسی ما ضعف کار جمعی نمود قابل‌توجهی دارد و مصادیق آن کم نیسـت. معروف اسـت در ایران هرگاه تعداد افراد بیش از دو نفر شـود، نمی‌توان انتظار موفقیت از آنان داشت و بیشتر وقت افراد صرف رفع اختلافات و کدورت‌ها می‌شـود. میزان انتخاب در احزاب سیاسی بسیار بیشتر از میزان مشارکت آنان در اداره جامعه با حتی رقابت سیاسـی اسـت. اینکه چرا ایرانیـان فردگرایی را بر کار جمعی ترجیح می‌دهند پرسشی اساسی اسـت که باید صاحب‌نظران علوم اجتماعی به آن پاسخ دهند؛ اما شاید یکی از دلایل آن، این باشد که حاکمیت اسـتبدادی بر بخش قابل‌توجهی از تاریخ ما مسلط بوده و انسـان‌های تابع این حاکمیت را هم بـه سـوی اسـتبداد سـوق داده اسـت. مردمی که قرن‌ها تحت استیلای حکام مستبد زندگی کرده‌اند، عادت کرده‌اند شخصا تصمیم بگیرند و راسا اقدام کنند. اکثر ایرانی‌ها احساس می‌کنند مدیران خوبی هستند و فقط به دنبال فرمان‌بر می‌گردند نه به دنبال مشـارکت و تعامـل برای انجام امور. زمانی که روحیه کار جمعی ضعیف باشد، اتکاء حرکت‌های جمعی درازمدت در قالب و شـکل حزب که نیـاز به مدارای بیشـتر دارد، راه به جایی نمی‌بـرد و ما پس از مدتی شـاهد فروپاشـی یک جمع یا انتسـاب آن هسـتیم؛ موضوعی که در تاریخ احزاب ایرانی در صد سـال اخیر به‌دفعات تکرار شده آن بوده‌ایم.

۳- تجربه صدسـاله تاریخ سیاسی ایران نشـان می‌دهد شکل‌گیری احزاب در ایران اکثرا به واسـطه دیدگاه‌های سـلبی بوده اسـت. معمولا تعدادی از اهالی سیاسـت حول محور یک «نـه» همگرایی پیدا کرده و پس از رسـیدن به هدف، اختلاف به سبب ضعف روحیه کار جمعی، تشدید و جمع دچار فروپاشی می‌شود. درحالی‌که شکل‌گیری جمع باید به واسـطه مشـترکات ایجابی باشـد تا در درازمدت بتواند تداوم داشته باشـد. احزاب ایرانی معمولا برای مخالفت با امری تشکیل می‌شوند که برای رسیدن به هدفی. برای مثال، می‌توان به شکل‌گیری جبهه ملی در نهضت ملی‌شدن صنعت نفت ایران اشاره کرد که پس از خلعید شرکت نفت انگلیس در جنوب ایران، دچار اختلافات عمده‌ای شد و به فروپاشی آن جبهه انجامید.

۴- احزاب در برهه‌هایی از زمان در صورتی که احسـاس کنند شرایط مقابل آنان دشـوار و مسیر صعب‌العبور اسـت، ائتلاف را بادیگر می‌شـوند. اما در بیشـتر موارد ائتلاف‌ها هم مانند تشکیل احزاب حول محور «نه» شـکل می‌گیرد؛ نه به‌گزاوردن گزینه حزب یا جناح رقیب. این ائتلاف‌ها از شکنندگی‌شدن گونه‌های ائتلاف هستند و عموما در صورت پیروزی، بـر سر تقسیم غنایم با مشـکل روبه‌رو خواهند شد که در دوران انحلال، نمونه آن رخ داد.

۵- نتیجـه آنکه ایجـاد احزاب قـوی و دارای برنامـه درازمدت که اعضـای آن دارای روحیـه مدارا بوده، منافع حزبی را بر منافع فردی ترجیـح می‌دهند، دیدگاه‌های ایدئولوژیک را در درون‌حزب به دیدگاه‌های درون‌حزبی را پذیرفته و بهترین گزینه را برای رقابت نهایی در عرصـه انتخابات سیاسـی قـرار می‌دهند. این مواقع راحل مسـئله برای محفل ائتلاف‌های مقطعی و موسـمی انتخاباتی فعلی باشـد؛ ائتلاف‌هایی که عمدتـا پس از این موسـم، یا به انجام می‌رسند و یا در بهترین حالت، به شکلی کمرنگ به ادامه فعالیت می‌پردازند.

عضو شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه

ادامه از صفحه اول

فاجعه پیش چشم ما

اما وقتا کدام کار پیکیرانه جامعی در کشـور مـا طبق دانش و تجربیات جهانی در حال اجراسـت که در قرارش مذکور فرهخستان به چشم نیامده است؟ یا جایگاه کارپش‌های سیاسی متنوع در رجب سلامت وقاط کجاسـت؟ موضوع بسیار سـاده است. یا برنامه‌های پیشـگیرانه در سطح ملی وجود خارجی دارد یا ندارد. که البته طبق جدول مشروح زیر مطلب برخی افراد با توجه به تجربه گرسـی‌هایی که در سـوی استبداد ملـی و اصلاحطلبان و حامیـان دولت، رفتن به سـمت نوعی اجماع و تفاهم را جایز مقابل را مدل مناسـبتری برای این مسـئله ارزیابی می‌کنند. صادق زیباکلام، استاد دانشـگاه تهران، در نامه سـرگشـاده‌ای که آن را در اختیار «شرق» قرار داده اسـت، نکاتی را به محمدرضا عارف توصیه کرده که متن کامل آن در ادامه می‌آید.

سرور مکرم جناب آقای دکتر محمدرضا عارف
رئیس محترم «فراکسیون امید» مجلس شورای اسلامی

با سـلام و تبریکات صمیمانه برای موفقیـت اصلاحطلبان در انتخابات هفتم اسـتدعاها با وجود همه موانع و تضیقات و هم به‌واسطه تشکیل فراکسـیون «امید» به ریاست حضرتعالی، می‌دانیـم پیـروزی غیرمنتظره ما در این انتخابـات پیش از آنکه حیـرت اصولگرایان را به بار آورد، اسـباب شـکفتی خودمان را رقم زد. میلیون‌ها نفـر از هم‌میهنانمان که بـه دعوت برگزان اصلاحات لبیک گفته و در هفتم اسـفند و دمم اردیبهشـت در اطراف اکناف کشور مشـتاقانه به پای صندوق‌های رأی آمدند طبیعتا انتظار دارند تا ریاسـت مجلس بعد از دوازده سـال که در دسـت اصولگرایان بود در اختیار اصلاحطلبـان قرار گیرد. بقیـن چنین خواسـته‌ای کمترین انتظار بدنـه اجتماعی نیرومند اصلاحات در کشور اسـت و من در سفرهای متعدد ایام انتخابات برای سـخنرانی در محافل اصلاحطلبان و دانشگاه‌ها در سراسر کشور، این را مشاهده کردم. کم نیستند چهره‌ها و شخصیت‌های اصلاحطلب هم که چنین خواسته‌ای را برحق دانسـته و خواهان اجابت آن از جانب جنابعالی هسـتند. موفقیت همـه از قرفتن کرسـی ریاسـت مجلس بـه رأی‌دهنـدگان نشـان می‌دهد کـه مشـارکت اسـلامی یکباره راه امید به تغییر و اصلاحات در کشور است. متقابلا اگر این مقدار تغییر هم حاصل نشود، ممکن اسـت بسیاری از رأی‌دهندگان به لیست شما بلاخطر افتـاد و لایه‌های جوان‌تر یا این پرسـش نامبدانه مواجوه شـوند کـه «پس فایده شرکت در انتخابات چیه؟» اگر قرار باشد که هیچ تغییر و تحولی اتفاق نیفتد و همچنان فوم مقننه کماکان در دسـت اصولگرایان باقـی بمانـد؟» درعین‌حال برخی دیگر از دوسـتان ملاحظات و دغدغه‌های دیگـری دارند و ضمن تأیید این اسـتدلال‌ها نگران هسـتند تلاش اصلاحطلبـان در گرفتن ریاسـت مجلس ممکن اسـت آن را با روباریمی هیاهـو جانبه و سـنگین اصولگرایان روبه‌رو سـازد و از سـویی دیگر باعث شکسـته‌شـدن انتلاف ناتوشـته ما شـکننده میان اصولگرایان میانه‌رو با مجموعه دولت یازدهم و اصلاحطلبان شود.

در اینکه هر دو جریان خیـر اصلاحات را می‌خواهند تردیدی نیسـت. اگر بسـیاری از دوسـتان اصرار دارند که جنابعالی بروید برای ریاسـت مجلس، نگرانند تا مبـادا بدنه اجتماعی ما دچار سـخوردگی شود و متقابلا اگر برخی دیگر از دوستان با این رویکرد همراهی نمی‌کنند باز به‌واسـطه آن اسـت که نگران‌اند مبادا تکیه اصلاحات در کشور اسـت و من در سفرهای متعدد ایام انتخابات شـرق: این‌روزها انتخاب ریاسـت مجلس دهـم و اماواگرهای آن، یکی از موضوعات اصلی فضای سیاسـی کشور اسـت. محمدرضا عارف به‌عنوان سـرلیسـت اصلاحطلبان در این انتخابات و رئیس شـورای‌عالی سیاسـت‌گذاری اصلاح‌طلبان، بلاتردیـن رأی را در میـان نمایندگان این دوره کسـب کرده و حالا خـود را در جایگاه ریاسـت فراکسـیون امید مجلس دهم می‌بیند. تعدادی از احزاب و چهره‌های اصلاحطلـب، برای او را شایسـته ریاسـت مجلس و شـانه تجیر مورد نظر مردم در راهی قوه مقننه می‌دانند. در سوی مقابل، برخی افراد با توجه به تجربـه گرسـی‌هایی که در مسـیر اصولگرایـان مقابـل و اصلاحطلبان و حامیـان دولت، رفتن به سـمت نوعی اجماع و تفاهم را جایز مقابل را مدل مناسـبتری برای این مسـئله ارزیابی می‌کنند. صادق زیباکلام، استاد دانشـگاه تهران، در نامه سـرگشـاده‌ای که آن را در اختیار «شرق» قرار داده اسـت، نکاتی را به محمدرضا عارف توصیه کرده که متن کامل آن در ادامه می‌آید.

سرور مکرم جناب آقای دکتر محمدرضا عارف
رئیس محترم «فراکسیون امید» مجلس شورای اسلامی

با سـلام و تبریکات صمیمانه برای موفقیـت اصلاحطلبان در انتخابات هفتم اسـتدعاها با وجود همه موانع و تضیقات و هم به‌واسطه تشکیل فراکسـیون «امید» به ریاست حضرتعالی، می‌دانیـم پیـروزی غیرمنتظره ما در این انتخابـات پیش از آنکه حیـرت اصولگرایان را به بار آورد، اسـباب شـکفتی خودمان را رقم زد. میلیون‌ها نفـر از هم‌میهنانمان که بـه دعوت برگزان اصلاحات لبیک گفته و در هفتم اسـفند و دمم اردیبهشـت در اطراف اکناف کشور مشـتاقانه به پای صندوق‌های رأی آمدند طبیعتا انتظار دارند تا ریاسـت مجلس بعد از دوازده سـال که در دسـت اصولگرایان بود در اختیار اصلاحطلبـان قرار گیرد. بقیـن چنین خواسـته‌ای کمترین انتظار بدنـه اجتماعی نیرومند اصلاحات در کشور اسـت و من در سفرهای متعدد ایام انتخابات

جواد اطاعت در گفت‌وگو با «شرق»:

دولت یازدهم و مجلس دهم، همچنان با صبر و اجماع گام بردارند

حامد طیبی

عکس: امیر حیدری شورا

رفتار سیاسـی جامعه ایران در سـال‌های اخیر از دیـد تحلیلگران سیاسی و جامعه‌شناسان، تغییراتی محسوس نسبت به گذشته داشته است. افزایش دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و فرارگرفتن افراد در جریان رخدادهای مختلف داخلی و خارجی در کنار گسترش قابل توجه رسانه‌های تحلیلگر، نک‌صدایی رسانه‌ای در ایران را شکسته و معادلات نازه‌ای را در این حوزه حاکم کرده است. آنچه در انتخابات سـال‌های اخیر یعنی انتخابات ریاسـت‌جمهوری یازدهم و همین انتخابات اخیر مجلس دهم رخ داد، نمونه‌ای از این تغییرات است. مدیرکل مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور و دبیرکمیسیون احزاب و تشـکل‌های سیاسـی در وزارت کشـور دولت اصلاحات، در گفت‌وگـو با «شـرق»، تحلیل خود را از فرایند تغییرات عمومی ارائه داد. جـواد اطاعت در قامت نماینده مجلس ششـم، فعالیت پارلمانی را نیـز در کارنامه خود به ثبت رسـاند و البته در انتخابات ریاسـت‌جمهوری یازدهم نیز، یکی از چند چهره شناخته‌شده‌ای بود که در میان هشـت نامزد پایانی، قرار نگرفت. این مدرس دانشگاه، عضو هیات علمی دانشـگاه شهیدبهشتی است که مدرک کارشناسی خود را از آنجا اخذ کرد اما تا مقطع دکترای علوم سیاسی در دانشگاه تهران ادامه تحصیل داد و مقالات و تألیفات قابل توجهی را نیز ارائه کرده است.

■ با توجه به اتفاقات سیاسـی کشـور در دو دهه اخیر و مسائل سال ۹۲ تا امروز، شرایط ارز انتظارگاهی‌های عمومی و ارتباط آن با توسـعه دموکراتیک از منظر اجتماعـی چگونه قابل تحلیل است؟

ایران در سـال ۳۰ سـال اخیر تغییرات و تحولات زیادی را تجربه کرده اسـت. انقلاب، جنـگ، فشـارهای خارجی و مشـکلات اقتصادی، جامعـه ایـران را بیـش از اندازه سیاسـت‌زده کرده اسـت؛ فرایند رویه‌رشد شهرنشـینی به‌گونه‌ای که نسبت شهرنشـینی در مقایسه با ۵۵ سـال پیش برعکس شده اسـت به‌گونه‌ای که در سال ۱۳۳۵ نسبت جمعیت روستانشـین به شهرنشین ۷۰ به ۳۰ بوده و در سال ۱۳۹۰ این نسـبت ۲۷ بـه ۷۳ شـده؛ لازم به ذکر اسـت میانگین جهانی جمعیت روسـتایی عددی حدود ۵۰ درصد اسـت. نکته مهم دیگر گرایش جامعه ایرانی به تحصـیلات عالیه به‌ویژه در جمعیت زنان و توسـعه و گسـترش کمی امکانات آموزشـی در اقصی نقاط ایران و تأسیس دانشـگاه‌های دولتی و غیردولتی اسـت. اگرچه بسـیاری از این دانشـگاه‌ها فاصله زیادی با اسـتانداردهای علمی و آموزشی دارند؛ اما درعین‌حال نظام آموزشی ایران از نظر افزایش آگاهی‌های عمومی که بستر لازم برای توسعه سیاسی و فرایندهای دموکراتیک اسـت، بسیار تاثیرگذار عمل کرده اسـت. در کشور ۷۵میلیونی ایران که بالغ بر سـه‌میلیون دانشـجو دارد. آن‌هم در شرایط سنی‌ای که آنان قرار دارند، پتانسـیل عظیمی برای افزایش آگاهی‌های عمومی در خانواده‌های ایرانی وجود دارد.

■ یکـی از دغدغه‌های اصلی نیروهای تحول‌خـواه که آن را در همیـن انتخابات مجلس دهـم بارها به‌عنوان اتحادی مطرح کردند، توسـعه کشور و بهبود کیفیت زندگی مردم در سایه حل مشکلات مختلف به‌ویژه در حوزه اقتصادی است. مردم هم با وجود اطلاع از مشکلاتی که از قبل باقی مانده است، نیروهای مزاحم توسـعه و البته کارشـکنی‌های خارجی، با امید و آگاهی نسبت به زمانه‌نبردن تحولات، سخن کم‌رمق‌شان را پذیرفتند. این مسئله می‌تواند بر موانع توسعه در ایران، غلبه کند؟

اگر یک جریان سیاسـی به دنبال توسـعه اسـت و آن را از مسیر افزایـش آگاهی‌های عمومی دنبـال می‌کند، یعنـی می‌داند بدون این فاکتور، نمی‌توان به موفقیت دسـت یافت. این مسـئله ازجمله مواردی اسـت که در دنیا هم تحقیقـات مفصلی درباره آن صورت گرفته و نتایج قابل‌تأملی را به دنبال داشـته اسـت. مطالعه تطبیقی کشورها و موضوعات مختلف بیانگر آن اسـت «آگاهی عمومی»، دارای نقش درجاول در فرایند توسـعه کشورهاسـت. بنابراین این فاکتور، پیش‌نیاز توسعه سیاسی اسـت نه دنباله آن. مطالعات نشان می‌دهد دراختیارداشـتن ذخایر مختلـف طبیعی و خام ثروتما عامل توسعه نیسـت. کشورهایی داریم که ثروت ندارند اما جزء منابع سـرزمینی جدانـاپذیر آن دارای روحیـه مدارا بوده، منافع حزبی را بر منافع فردی ترجیـح می‌دهند. دیدگاه‌های ایدئولوژیک درون‌حزبی را پذیرفته و بهترین گزینه را برای رقابت نهایی در عرصـه انتخابات سیاسـی انتخاب می‌کنند. این مواقع راحل مسـئله برای محفل ائتلاف‌های مقطعی و موسـمی انتخاباتی فعلی باشـد؛ ائتلاف‌هایی که عمدتـا پس از این موسـم، یا به انجام می‌رسند و یا در بهترین حالت، به شکلی کمرنگ به ادامه فعالیت می‌پردازند.

آگاهی‌های عمومی، تقاضای مشارکت سیاسی را افزایش خواهد داد و مسئولان امور را به پاسخ‌گویی وادار خواهد کرد. مسئولان و متولیان امور، عمدتا دیدگاه‌ها و طرز تفکر مردمشان هستند و زمانی که با تغییرهای از سطوح آگاهی بیشتری برخوردار باشد، مسئولانی که از میان همان مردم مسئولیتی را عهده‌دار می‌شوند، به نفش و جایگاه خویش واقف‌تر خواهند بود

متاثر از عملکرد دولت‌مردان اسـت. به بیان دیگر اگر نخبگان فکری و اجرائی کشـور به دنبال آن هسـتند که جامعه‌ای با فضیلت‌های اخلاقی داشـته باشـهم، بیش و از هر چیز باید خود را متخلق بـه اخلاق و فضیلت‌های مدنی کنند. این یعنـی رویش، یعنی آغاز از خود. حدیث معناداری دارین‌یـاره وجود دارد «کونو بعلد لناس» به غیـر اسـتنکم» یعنی این عملکردهاسـت که الگـوی جامعه می‌شـود و نه حرف و بیان. البته آموزش و تربیت هم در کنار آن حائز اهمیت و توجه بسـیاری است. تدوین کتب درسی براساس نیازهای اجتماعی، تولید آثار فرهنگی در حوزه‌های مختلف که جامعه‌پذیری را تحت‌تأثیـر قرار می‌دهـد و البته وجود قوانیـن و مقررات کارآمد همـه و همـه می‌تواند موثر واقع شـود. این آخـری را در مجلس می‌توان با قدرت بیشتری پیگیری کرد.

■ شـما از عمل به چاه حرف و بیان، سخن می‌گویید اما همین عمل هم باید به وسـیله ابزارهای اطلاع‌رسانی مانند روزنامه‌ها و مجلات به مردم منعکس شـود چراکه رسانه عمومی در ایران براساس منویات خودش عمل نمی‌کند.

بله، این نکته درستی اسـت. ارتباط‌گیری ازبوتا از طریق رسانه‌های مکتـوب صورت نمی‌گیـرد. جامعـه ایرانی با «فرهنگ شـفاهی» خود سال‌هاسـت مسائل را بیش برده اسـت. رسـانه‌های دیداری و شـنیداری از قبیل رادیو و تلویزیون نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛ فکر می‌کنـم امرای موجود نیز اینکه اولویت‌ها را چگونـه و جمعیتی که از این رسـانه‌ها کسـب اطلاعات می‌کنند، کم نیسـت. متاسفانه به اجای تبلیغ تنوع و تکثر در رسـانه‌های دیداری و شنیداری در داخل ایجاد شـود و همانند روزنامه‌ها و شـبکه‌های اجتماعی، کانال‌های تلویزیونی خصوصی نیز بتوانند در فرهنگ‌سـازی ایفای نقش کنند. این رسـانه‌های خارجی هسـتند که از غیبت تکثر و تنوع رسانه‌ها در داخل استفاده و فرهنگ موردنظر خود را تبلیغ و ترویج می‌کنند.

■ این روزها یکی از مسـائل اصلی مردم و حتی فعالان سیاسی، ارائه راه‌حل برای مشـکلات اقتصادی و معیشتی جامعه است. اصلاحطلبان در جریان رقابت‌هـای انتخاباتی مجلس دهم نیز روی این مسئله تأکید زیادی داشـتند و برخی مشکلات را نتیجه تصمیمات غیرکارشناسـی مجالس اصولگرایـان می‌دانند. این اعتقاد وجود دارد؛ مردمی که درگیر مشکلات اقتصادی و مسائل معیشتی خود هستند، به توسعه فرهنگی و سیاسی و توسعه چندانی نخواهند داشت. اگر توسـعه آگاهی یک ازپیش‌نیازهای اساسی توسعه سیاسـی باشد، برای توسعه اقتصادی باید چه وزنی قائل شد؟

در این موضوع که رشـد و رفاه اقتصادی بسـتر و زمینه‌ساز سایر جنبه‌های توسعه اسـت، شکی وجود ندارد. فقر، دین و ایمان را از بین می‌برد تا به مکانیسـمی برسد که به قول «لیپسـت» جامعه‌شناس فرانسـوی، حداقلی از رفاه و تجهیز اجتماعی لازمه توسعه سیاسـی و پیشـبرد روندهای دموکراتیک اسـت و دموکراسـی در کشورهای توسـعه‌یافته اقتصادی بهتر رشـد می‌کند و مانداگر می‌شود. «فرید زکریا» نیز توسـعه لیبرالیسم و احترام به حقوق فردی را لازمه رشد و توسعه فرایندهای دموکراتیک می‌داند. از طرفی گفته می‌شود در جوامعی که دچار فقر اقتصادی و فرهنگی هستند، آزادسازی فضای سیاسی به منزله صدور مجوز هرج‌ومرج است. اینها همه درست اما باید توجه داشته باشیم که باید دو موضوع را از هم تفکیک کرد. یک موضوع در سـطوح نخبگان مطرح اسـت و دیگری در سطوح آحاد جامعه. در سطوح نخبگان باید قائل شد؛ کاملا آداء باشد تا تصمیم‌سازی در حوزه‌های سیاسـی، اقتصادی یا فرهنگی در فضای رقابتی شکل بگیرد تا احتمال خطا و اشـتباه کاهش پیدا کند چراکه در یک پیوسه تصمیم‌سـازی در فضای رقابتی، همه زوایای تصمیم واکاوی و نقادی می‌شـود و در جایی اجرا نیز مسائل نیز چشم تیزبین منتقدان به اجرا گذاشـته می‌شـود. خطاهای احتمالی از طرف مخالفان و منتقدان بیان می‌شـود. این مکانیسـم نظارتی بدون تهیه هزینه‌ای صرف شـود، باعث کاهش خطا هم در تصمیم‌سازی و هم در اجرا می‌شـود. این در حالی اسـت که در صورت قطع کانال‌های ارتباطی با منتقدان و مخالفان باعث می‌شـود چشم مسئولان برای شناخت مشـکلات بسته بماند؛ طبیعی اسـت که در چنین شرایطی راه‌حلی نیز ارائه نخواهد شد.

■ اما در ایران بر سر این مسئله، اجماع وجود ندارد. یک جریان دارای قدرت، رقیب خود را محدود می‌کند تـا بتواند به آنچه که بدان رسیده‌اند به نفع تفاهم برای مسائل سیاسی همان مقابل بیاید. شاید تا حدی می‌توانند مقابل هم بـا کوچک‌ترین اقدامی در این حوزه، واکنش نشـان می‌دهند و مردم را به سمت ناامیدی سوق می‌دهند.

به‌طـور طبیعـی در دموکراسـی‌های نوپا این مشـکلات وجود دارد. مصافا اینکه ما در اینجا از دموکراسـی مدنی سـخن به میان می‌آوریم و نه دموکراسـی‌های توده‌ای. در ایران شـرایط اقتصادی مـردم به دلیل تضعیف اقتصاد ملـی و افزایش بی‌کاری به‌گونه‌ای اسـت که دولت به‌ناچار باید سیاسـت‌های حمایتی خود را تا زمان اشـتغال کامل اشـته به صورت هدفمند ادامه دهد. به‌هرحال تأکید نیروهای دموکراسی‌خواه می‌تواند این باشد که تنها راه خروج از این وضعیـت، ایجاد فضای رقابتی در عرصه اقتصادی، جذب سـرمایه خارجی، رونق صنعت گردشـگری، ایجاد اشـتغال، تولید، درآمد و کسـب ثروت اسـت. البته در این زمینه، گفت‌وگو و تفاهم در همه سطوح، یک ضرورت اسـت. همه ما می‌خواهیم کشـور توسعه یابد اما با روش‌های مختلف. حتما باید با آرامش و حرکت‌های منطقی، اعتمادسازی کرد تا برخی حوادث گذشته تکرار نشود.

■ تجربه عملی کشـورها دراین‌باره چگونه اسـت؟ مثلا آنچه در کشورهای شرق آسیا از جمله کشور چین دیده می‌شود که خلاف این نکته اسـت.

ممکن اسـت با توجه به تجربه کشورهایی مثل چین، سنگاپور و ویتنام فکر کنند رویکردهای تمرکزگرا باعث توسـعه می‌شـود. باید بدانیم لازمه توسـعه، امنیت و ثبات سیاسی اسـت که می‌تواند هم در نظام‌هـای دموکراتیک و هم اقتدارگرا حاصل شـود. اما ثبات و امنیت شـرط لازم اسـت نه شـرط کافی. چنانچه این امنیت با اراده رهبران سیاسـی برای پیشبرد رشـد و رونق اقتصادی با بازار آزاد و همکاری‌های بین‌المللی همراه شـود، رشـد اقتصادی را به دنبال خواهد داشـت. درکنار این عوامل، اگر مقایسه تطبیقی بین کشورهای توسعه‌یافته انجام دهیم، خواهیم دید که توسعه‌یافته‌ترین کشورها از نظر اقتصادی، دموکراتیک‌ترین نیز هسـتند. بـرای مثال از نظر شـاخص‌های سـعادت لیکاتوم در سال ۲۰۰۹ کشـورهای فنلاند، سـوئیس، سـوئد، دانمارک و نـروژ با اختلاف اندکی بـه ترتیب در صدر کشورهای توسـعه‌یافته قرار داشـتند. در حالی‌که این اسـت که این کشـورها دموکراتیک‌ترین کشورهای جهان هم هسـتند. از طرف مقابل کشورهای اقتدارگرای آفریقایی و آسیایی از نظر شاخص‌های توسعه در ردیف‌های آخر قرار می‌گیرند. تحقیقات میدانی که توسط برخی از پژوهشـگران صورت گرفته اسـت نیز این موضوع را تأیید می‌کند که آزادی سیاسـی اثر مثبتی بر توسعه اقتصادی می‌گذارد. «بهلاه» از صاحب‌نظران دموکراسـی با بررسـی ۹۰ کشور از سـال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ نتیجه می‌گیرد که دموکراسـی اثر مثبتی بر توسـعه اقتصادی دارد. مصافا اینکه هر نظام سیاسی دموکراتیک، توسعه‌یافته هم هسـت؛ اما هر کشـور اقتدارگرا الزاما دارای رشد و رونق اقتصادی نیسـت.

■ منظور از توسعه سیاسـی و حاکمیت فرایندهای دموکراتیک چیسـت؟ آیا انتخابات رقابتی مدنظر اسـت یا موارد دیگری نیز در مباحث توسعه سیاسی مطرح می‌شود؟

توسعه سیاسی به افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در مقابل تحدیات و بحران‌ها و توانایی برای تغییرات سیاسـی و انجام امور سیاسی پیچیده و تخصصی اطلاق می‌شود که همانند اقتصاد جوامعی که دچار فقر اقتصادی و فرهنگی هسـتند، ازدیاد فضای سیاسی به منزله صدور مجوز هرج‌ومرج است. اینها همه درست اما باید توجه داشته باشیم که باید دو موضوع را از هم تفکیک کرد. یک موضوع در سـطوح نخبگان مطرح اسـت و دیگری در سطوح آحاد جامعه. در سطوح نخبگان باید قائل شد؛ کاملا آداء باشد تا تصمیم‌سازی در حوزه‌های سیاسـی، اقتصادی یا فرهنگی در فضای رقابتی شکل بگیرد تا احتمال خطا و اشـتباه کاهش پیدا کند چراکه در یک پیوسه تصمیم‌سـازی در فضای رقابتی، همه زوایای تصمیم واکاوی و نقادی می‌شـود و در جایی اجرا نیز مسائل نیز چشم تیزبین منتقدان به اجرا گذاشـته می‌شـود. خطاهای احتمالی از طرف مخالفان و منتقدان بیان می‌شـود. این مکانیسـم نظارتی بدون تهیه هزینه‌ای صرف شـود، باعث کاهش خطا هم در تصمیم‌سازی و هم در اجرا می‌شـود. این در حالی اسـت که در صورت قطع کانال‌های ارتباطی با منتقدان و مخالفان باعث می‌شـود چشم مسئولان برای شناخت مشـکلات بسته بماند؛ طبیعی اسـت که در چنین شرایطی راه‌حلی نیز ارائه نخواهد شد.

■ اما در ایران بر سر این مسئله، اجماع وجود ندارد. یک جریان دارای قدرت، رقیب خود را محدود می‌کند تـا بتواند به آنچه که بدان رسیده‌اند به نفع تفاهم برای مسائل سیاسی همان مقابل بیاید. شاید تا حدی می‌توانند مقابل هم بـا کوچک‌ترین اقدامی در این حوزه، واکنش نشـان می‌دهند و مردم را به سمت ناامیدی سوق می‌دهند. چرا این اختلافات تا این اندازه عمیق است؟

مسـئله اصلی ما چگونه‌ساختن کشور اسـت. اگر قرار باشد کشور سـاخته شـود. باید درباره چگونه‌سـاختن آن در یک فرایند رقابتی تصمیم‌سـازی شـود. مطالعات انجام‌شـده و نمونه‌های عینی آن در کشـورهای مختلف دنیا نشـان می‌دهد موفقیت رشد اقتصادی، نیازمند نهادهای اجتماعی اسـت که در شرایط حاکمیت فرایندهای دموکراتیک، بهتر امکان‌پذیر اسـت. کمااینکه «میلتون فریدمن» نیز اسـتدلال می‌کند سیاسـت دموکراتیک برای رشد و رونق اقتصاد آزاد نه‌تنها لازم که ضروری اسـت. مصافا اینکه عقلانیت سیاسی بیانگر این واقعیت اسـت که در جایگاه فرایند توسعه در یک «الیگارشی اقتدارگرا» سرپوش گذاشته می‌شود و فساد سرنوشت محتوم چنین شرایطی اسـت.

■ چقدر این شـرایط در ایران هم وجـود دارد؟ درحال‌حاضر یکی از مشـکلات ملی ما، کاهش توانایی اقشـار مختلف مردم برای زندگی باکیفیت است. در این شرایط دولت و مجلس نقش اگر به آزادی‌های سیاسـی هم معتقد باشند، تا حد خیلی زیادی روی حوزه‌های غیراقتصادی، متمرکز شوند؟ ضمن اینکه بدانیم هم یا کوچک‌ترین اقدامی در این حوزه، واکنش نشـان می‌دهند و مردم را به سمت ناامیدی سوق می‌دهند.

به‌طـور طبیعـی در دموکراسـی‌های نوپا این مشـکلات وجود دارد. مصافا اینکه ما در اینجا از دموکراسـی مدنی سـخن به میان می‌آوریم و نه دموکراسـی‌های توده‌ای. در ایران شـرایط اقتصادی مـردم به دلیل تضعیف اقتصاد ملـی و افزایش بی‌کاری به‌گونه‌ای اسـت که دولت به‌ناچار باید سیاسـت‌های حمایتی خود را تا زمان اشـتغال کامل اشـته به صورت هدفمند ادامه دهد. به‌هرحال تأکید نیروهای دموکراسی‌خواه می‌تواند این باشد که تنها راه خروج از این وضعیـت، ایجاد فضای رقابتی در عرصه اقتصادی، جذب سـرمایه خارجی، رونق صنعت گردشـگری، ایجاد اشـتغال، تولید، درآمد و کسـب ثروت اسـت. البته در این زمینه، گفت‌وگو و تفاهم در همه سطوح، یک ضرورت اسـت. همه ما می‌خواهیم کشـور توسعه یابد اما با روش‌های مختلف. حتما باید با آرامش و حرکت‌های منطقی، اعتمادسازی کرد تا برخی حوادث گذشته تکرار نشود.

■ تجربه عملی کشـورها دراین‌باره چگونه اسـت؟ مثلا آنچه در کشورهای شرق آسیا از جمله کشور چین دیده می‌شود که خلاف این نکته اسـت.

ممکن اسـت با توجه به تجربه کشورهایی مثل چین، سنگاپور و ویتنام فکر کنند رویکردهای تمرکزگرا باعث توسـعه می‌شـود. باید بدانیم لازمه توسـعه، امنیت و ثبات سیاسی اسـت که می‌تواند هم در نظام‌هـای دموکراتیک و هم اقتدارگرا حاصل شـود. اما ثبات و امنیت شـرط لازم اسـت نه شـرط کافی. چنانچه این امنیت با اراده رهبران سیاسـی برای پیشبرد رشـد و رونق اقتصادی با بازار آزاد و همکاری‌های بین‌المللی همراه شـود، رشـد اقتصادی را به دنبال خواهد داشـت. درکنار این عوامل، اگر مقایسه تطبیقی بین کشورهای توسعه‌یافته انجام دهیم، خواهیم دید که توسعه‌یافته‌ترین کشورها از نظر اقتصادی، دموکراتیک‌ترین نیز هسـتند. بـرای مثال از نظر شـاخص‌های سـعادت لیکاتوم در سال ۲۰۰۹ کشـورهای فنلاند، سـوئیس، سـوئد، دانمارک و نـروژ با اختلاف اندکی بـه ترتیب در صدر کشورهای توسـعه‌یافته قرار داشـتند. در حالی اسـت که این کشـورها دموکراتیک‌ترین کشورهای جهان هم هستند. از طرف مقابل کشورهای اقتدارگرای آفریقایی و آسیایی از نظر شاخص‌های توسعه در ردیف‌های آخر قرار می‌گیرند. تحقیقات میدانی که توسط برخی از پژوهشـگران صورت گرفته اسـت نیز این موضوع را تأیید می‌کند که آزادی سیاسـی اثر مثبتی بر توسعه اقتصادی می‌گذارد. «بهلاه» از صاحب‌نظران دموکراسـی با بررسـی ۹۰ کشور از سـال ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ نتیجه می‌گیرد که دموکراسـی اثر مثبتی بر توسـعه اقتصادی دارد. مصافا اینکه هر نظام سیاسی دموکراتیک، توسعه‌یافته هم هسـت؛ اما هر کشـور اقتدارگرا الزاما دارای رشد و رونق اقتصادی نیسـت.

■ منظور از توسعه سیاسـی و حاکمیت فرایندهای دموکراتیک چیسـت؟ آیا انتخابات رقابتی مدنظر اسـت یا موارد دیگری نیز در مباحث توسعه سیاسی مطرح می‌شود؟

توسعه سیاسی به افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در مقابل تحدیات